

اینوقت حالت گریه برای حاج شیخ اسدالله پیدا شد
 رئیس - برائی اطلاع خاطر آقایان
 عرض می کنم که الان يك تلگرافی از
 اهلیحضرت رسیده است برای رفع سوء
 تفاهم راجع بطول بعثت هم گویا فرمایشات
 آقای حاج شیخ اسدالله کافی باشد اگر
 اجازه می فرمائید تلگراف اهلیحضرت قرائت
 می شود بعد تشریف برید در جلسه خصوصی
 مذاکراتی فرمائید و تمایلات اکثریت را
 معلوم نمائید

حاج شیخ اسدالله - همه تلگرافات
 را بنده نمی خوانم همینقدر تلگرافی را
 که امروز رسیده است قرائت می کنم .
 نصف شهر کلیایگان غارت شده شهر
 کلیایگانی که دارای سی هزار جمعیت است
 چرا ؟

برای اینکه سابقا که در آنجا اداره
 ژاندارمری تاسیس شد اسلحه که مردم
 داشتند از آنها گرفته شد امروز تمام الوار
 مسلح و بیخته و اهالی بیچاره آنجا را که اسلحه
 ندارند قتل و غارت نمودند .

(مجددا حال گریه عارض شد)
 رئیس - تلگرافاتی سابقا رسیده بود
 و اقداماتی شده قوا هم اعزام شده است .
 (حاج شیخ اسدالله با حال گریه از
 مجلس خارج شدند)

رئیس - تلگراف اهلیحضرت قرائت
 می شود ؛
 (آقای منتصر الملک بضمون ذیل قرائت
 نمودند .

به ریاست یارلدان - تلگراف شما
 رسید با تلگرافات مکرری که کردم و مسامی
 که مجلس شورایی عمل آورد خیلی
 افسوس می خورم که جناب اشرف
 مشیرالدوله از مدارم در خدمت امتناع نموده
 حالا هم احسن وجوه این است خود ایشان
 متقاعد شوند و در صورتیکه ممکن نباشد
 تمایل اکثریت مجلس را تلگراف نمائید
 تا از آن قرار بعثت خاتمه داده شود .
 شاه

رئیس - جلسه آتی به روز پنجشنبه پس
 فردا چهار ساعت بظهور مانده .
 دستور اول - لایحه حق العبور خط
 بین طهران و دماوند .

ثانیا لایحه راجع باعزام معصلین
 نظامی بفرانسه برای شرفیابی خدمت
 والا حضرت اقدس ولیعهد هم بایستی چند
 نفر بقرعه معین شود سابقا عده دوازده نفر
 معین میشد حالا هم اگر مخالفی نباشد ۱۲
 نفر معین شود .

(بعضی گفتند شش نفر کفایت میکند)
 رئیس - شش نفر باشد
 آقای نظام الدوله استقراع نموده و
 آقایان مفصله ذیل معین شدند
 آقایان سلیمان میرزا - حاج میرزا

عبدالوهاب - سالار معظم - رئیس التجار -
 سدید الملک - غضنفرخان)
 مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر
 ختم شد

رئیس مجلس - مؤتمن الملک
جلسه صدویک
صورت مشروح مجلس
یوم پنجشنبه یازدهم شوال
۱۳۴۰ مطابق هیجدهم برج
جوزا ۱۰۴۲

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست
 آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید
 (صورت مجلس یوم سه شنبه شانزدهم
 جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - گویا نسبت بصورت جلسه
 مخالفی نباشد ؟
آقا میرزا محمد نجات - اجازه
 میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید
آقا میرزا محمد نجات - در
 جلسه قبل بنده عرض کردم شکایتی که از
 شهر رسیده يك ماه قبل از خانه انتخابات
 بوده است و در اینجا بعد از خاتمه انتخابات
 نوشته شده است

رئیس - اصلاح میشود
امیر ناصر - قبل از خانه انتخابات
 نوشته شده است
 رئیس - درست نوشته شده است .
 پس این ایراد وارد نیست. دیگر ایرادی
 نیست ؟

(اظهاری نشد)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد
 يك فقره لایحه از طرف دولت رسیده بود
 راجع به اعطای حق اولویت نسبت با تعداد
 خط آهن اكاویل در يك شعاع بیست فرسخی
 اطراف طهران به طومانبا نس ها و همینطور
 استفاده از آبشارهای پس قلمه ارسال میشود
 بکمسیون فواید عامه یکی دو فقره هم
 تقاضای شهریه خیلی جزئی چهار تومان و
 پنج تومان و شش تومان است بکمسیون
 بودجه ارجاع میشود .

دستور امروز اول لایحه ایست که از
 طرف دولت سابق راجع به تقاضای اعتبار
 هیجده هزار تومان برای مخارج مسافرت
 و شصت و هفتاد و يك هزار و شصت فرانك
 برای خرج تحصیل شصت نفر معصل نظامی
 اهزامی به فرانسه رسیده بود قرائت
 میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده واحده - مجلس شورای ملی
 تصویب مینماید که در هفدهم سنه ایت تاسیل
 ۱۳۰۱ مبلغ (۶۷۱۶۰۰) فرانك مخارج
 تحصیل یکساله شصت نفر معصل نظامی
 در اروپا و مبلغ هیجده هزار تومان برای
 مخارج مسافرت هدمز بود بفرانسه بوزارت
 چنك اعتبار داده میشود

(رئیس الوزراء - وزیر چنك و فرمانده
 كل قشون)
 رئیس - آقای شیخ الاسلام
 (اجازه)

شیخ الاسلام - در جلسه قبل عرض
 کردم نظریات و عقاید سیاسی مختلف است
 این سیاست مدار عالی قدار بیسمارك می -
 گوید ایران اداره نمیشود مگر در سایه
 اقتدارات مذهبی . بعضی از حکمای طبیعی
 نوشته اند لایصلح الانسان مادام فیه الهین
 والوطن اوهم می گوید تا اسم دین و وطن
 در دنیا است دنیا اداره نمیشود این دو فتوای
 مختلف و دو عقیده متضاد است .

یکی در حد افراط است و می گوید
 مملکت اداره نمیشود مگر در سایه دین و
 یکی در حد تقریب است و میگوید تا
 اسم دین در دنیا است دنیا اداره نمی -
 شود

محمد هاشم میرزا - کدام حکیم
 چنین چیزی گفته است

شیخ الاسلام - بعضی هم هستند که
 به يك حد متوسطی قائلند این صحیح است
 خوب است . مطاع است . وانسان بی دین در
 دنیا از هر سببی از هر حیوان درنده از هر
 سمی برای بشریت مهلك تر است ولی
 دیانت چیزی و سیاست چیز دیگری است .
 آنها دواصل مختلفند . بنده معتقد به آن
 ترتیب اولی یعنی معتقدم باینکه سیاست
 همین دیانت و دیانت همین سیاست است و این
 عقیده هم با قانون اسلام تطبیق میشود حالا
 آن کسانی که حد وسطی را قائلند و يك
 چیز هائی در نظر دارند که عقیده خودشان
 را با آن تطبیق می فرمایند آن را بنده نمی
 دانم این عقیده بنده بود که اظهار کردم و
 بکفر محاسب که هیچ کاری سواى حساب
 کردن ندارد هر قسم حسابی را که بیاورند
 چرتکه را می گذارند و آن حساب را حل
 می کند حساب قند بلز يك را می آورند با
 چرتکه حل می کنند . حساب قماش منجستر
 را می آورند با چرتکه حل می کنند . حساب
 قالی جوهری را که در مجلس شورای ملی
 دو جلسه تمام وقت مجلس صرف آن شد و
 مسکوت عنه ماند رجاعات کثیره از ایرانیان
 منتظر حل این قضیه هستند می آورند با چرتکه
 حل می کنند همین قسم هم ما ها باید هر
 مطلبی که عنوان میشود دین را در نظر
 بگیریم و آن قضیه را در سایه دیانت حل
 کنیم و این مطلب در همین مجلس شورای
 ملی هم سابقه دارد در دولت مشروطه مؤسسه
 بالاتر از مجلس شورای ملی نیست وقتی
 میخواستند مجلس را مفتوح کنند قرآن را
 گذارده اند و دو آیه که دلالت می کرده است
 بر صحت شورای بایك قلم جلی نوشته اند
 یکی را دوست راست و یکی را در طرف
 چپ نصب کرده اند (و شاید هر يك هم دلالت
 بر چپ و راست داشته باشد) و بعد از آن

مجلس را تشکیل داده اند این مقدمه را
 عرض کردم که تصور نشود بنده این را برای
 خودم حربه کرده ام .
 این یکی از اصول مسامه است که
 عقیده آزاد است این است که هر وقت هر
 مطلبی عنوان میشود بنده مستمسک میشوم
 به دیانت

محمد هاشم میرزا - این عقیده
 منحصر بشما تنها نیست عقیده همه ما این
 است
شیخ الاسلام - باز عرض میکنم در
 مثل مناقشه نیست .

در شور این لایحه وزارت چنك هم بنده چرتکه را
 می آورم و جلو می گذارم و صاحب شریعت
 اسلام به مسلمانها توصیه فرموده اند که هر
 کجای عالم علم است آنرا تحصیل کنند و
 اگر به اخبار و کتب آن رجوع شود معلوم
 می شود چندین هزار فضیلت در تعلیم علم و
 در ترغیب و تشویق علماء ذکر شده است
 طلب العلم فریضه علی كل مسلم و مسلمه
 تمام مردهای مسلمان باید تعلیم علم کنند
 تمام زنهای مسلمه هم باید تحصیل علم کنند
 اطباء العلم ولو بالصین اگر يك علمی خیلی
 هم دور باشد نباید مسامحه کنند باید طی
 مراحل نموده بروند آن علم را تحصیل کنند
 ولو هر کجای دنیا هم باشد العلم همان
 علم الابدان و علم الابدان می فرماید مسلمان
 ها خیال نکنند دین فقط نماز و روزه و احکام
 مذهبی است ؟ خیر تحصیل علوم معاشیه هم
 لازم است میفرماید من که پیغمبر هستم به
 شما دستور می دهم که تمام علوم معاشیه را
 تحصیل کنید حالا يك علومی هم جدیداً در
 دنیا عرض اندام کرده که بنده برای تشخیص
 آن خیلی کوچک هستم که آیا این علوم
 روی هر فرقه بحال بشر صالح است یا فاسد .
 آیا بشر تلگراف را می خواسته است که به
 يك فاصله کمی از عالم جدید به عالم قدیم
 خبر بدهد و زیبایی را هم می خواسته است که
 از بالا بوسیله آن بر سر او آتش بریزند یا
 هیچ کدام را نمی خواسته است ؟ این يك حاصل
 بزرگی است که حالا موقع سؤال و جواب
 آن نیست به رجعت مسلم است این علوم
 امروزه را باید تحصیل کرد زیرا هر ملتی
 دارای این علوم نباشد نمی تواند در دنیا
 زندگی کند و نمی گذارند آسوده باشد
 تحصیل این علوم هم برای ماها یکی از سه
 وجه ممکن است . یا اینکه مستشار بیاوریم
 و عملا این علوم را تحصیل کنیم بنده با این
 اصل کاملاً مخالفم و در موقع خودش هم
 آنچه لازمه مخالفت است عرض خواهم کرد
 می خواهد پیش برود . می خواهد پیش برود
 يك قسم هم این است که برویم معلم بیاوریم
 و ابناء ایرانی را بدست او بیاریم که در
 زیر دست او تحصیل کنند . بنده قبل از
 آنکه این مسافرت اخیر را بطهران بکنم با این اصل
 معتقد بودم در اوایل هم عقیده خودم را بر عرض آقایان
 رسانیدم ولی در این سفر يك چیز هائی شنیدم

بلکه دیدم که بالمره از این اصل هم منصرف شدم و تصور می کنم اگر هزارها از این قبیل معلمین که قبلاً هم آورده ایم بیآوریم (که غیر از آنها هم ما نخواهند داد) بهیچ جا نخواهیم رسید قسم سوم این است که چنانچه در این لایحه نوشته شده است یک عده را بخارج اعزام کنیم که علوم جدید را تحصیل کنند و سلامتی مراجعت نمایند این است که بنده تصور می کنم امروز یک روز مبارک و میبونی است که این لایحه به مجلس آمده و ما باید نهایت قدردانی و تشکر را از آقای مشیرالدوله و آقای سردارسیه داشته باشیم که در کابینه خودشان این لایحه را به مجلس شورای ملی تقدیم کرده اند و بنده کاملاً با این عقیده موافقم و آرزو مندم که ابناء ایران بزودی بروند و آن علوم را تحصیل نموده مراجعت نمایند و ایران را بمقامات عالی تر از این که فعلاً دارا می باشد برسانند ولی مخالفت دارم در دو نکته از مطالبی که در این رایورت نوشته شده یکی این است با وجود اینکه اطلاعات بنده کم است

یک نفر از نمایندگان - صحیح است .

شیخ الاسلام - خوب است قدری احترامات مجلس شورای ملی را در نظر داشته باشید و مجلس شورای ملی را در معرض مضحکه قرار ندهید . عقیده بنده این است که رفتن تمام این شصت نفر فرانسه صحیح نیست و باید سی نفر از آنها فرانسه و سی نفر به آلمان بروند و مطابق اطلاعاتی که بنده از روزنامه ها پیدا کرده ام و از معلمین هم شنیده ام اگر ما یک نفر شاگرد فرانسه و پنج نفر به آلمان بفرستیم مهارتشان مساوی است و این صرفه اقتصادی را بطور قطع یقین برای ما دارد علاوه ما باید دستهای خودمان را باز بگذاریم و ملاحظه رفاقت و دوستی از طرفین باشد دوستی و رفاقت از یک طرف اسباب دردسر است یک مطلب دیگر که در این لایحه هست و بنظر بنده صحیح نیست این است که نوشته شده است این آقایان بروند در فرانسه و بعضی از آنها یک سال و بعضی دو سال تحصیل نمایند . این مسئله گمان نمی کنم در هیچ کجای دنیا هم سابقه داشته باشد و گمان نمی کنم ولو هر قدر هم مدارس آنجا منظم باشد و دلسوزی درباره این شاگردان شود نتیجه حاصل شود و عقیده بنده این است آنهایی که در صرف میروند قرار بگذارند اقلاً دو سال و آنهایی که در مدرسه میروند چهار سال بمانند و تحصیل کنند اینطور خیلی بهتر است زیرا تحصیل یکساله برای برای آنهایی که در صرف میروند و تحصیل دو ساله برای آنهایی که در مدرسه میروند خیلی کم است و هیچ فایده ندارد چهار سال

و پنج سال و ده سال برای هر یک مدت چیزی نیست اینها یک عمر شخصی نیست که بگویم زیاد است آنها یک عمر های ملی است و اهمیتی ندارد و اینکه یکمده از این شصت نفر پس از یکسال و عده دیگر پس از دو سال به ایران مراجعت نمایند بمقیده بنده صحیح نیست و اما دو مطلب هم است که باید در این لایحه اضافه شود . یکی این است که چند نفر اشخاص عاقل کامل تمام مسلمان برای نظارت در امور این عده که بارویا اعزام می شوند با آنها بروند که آنها سر خود نباشند که بعضی رسیدن بارویا دین و آئین خودشان را بیوسند و بر سرشان بگذارند و بگذارند کنار و خدای نخواسته مشغول بعضی کارهایی که شاید سایرین بوده اند بشوند و این چند نفر که با آنها هستند از فساد اخلاق آنها جلوگیری کنند در این لایحه نوشته شده است چهار نفر صاحب منصب ارشد با آنها همراه باشد اگر مقصود از این چهار نفر همان است که بنده عرض کردم مقصود حاصل است نهایت باید وقت کاملی بشود و این چهار نفر صاحب منصب خیلی کامل باشند اگر چه بمحمدالله آنچه بنده دیده و شنیده ام صاحب منصبان قشون ما تماماً مراتب اسلامیتشان کامل است ولی علی الظاهر وقت بفرمایند که خیلی کامل باشند یکی هم این است که این عده اعزامی را از فقر و انتهاب نمایندگان را برای این مطلب برای کشته شدن است و چیزی نیست که اقتیاب و متولین اطفال خودشان را بفرستند . خوب است هر شصت نفر از اولاد فقرا انتخاب و اعزام دارند

نصرت الدوله - قسمت اول از فرمایشات آقای شیخ الاسلام را وظیفه بنده نیست جواب عرض کنم ولی چند چیز را یادداشت کرده ام که باید جواب آنها را عرض کنم یکی از فرمایشات ایشان با موافقت کامل با این لایحه این بود که این عده که اعزام میشوند نصف آنها فرانسه و نصف به آلمان بروند اصلاح دیگری که می خواستند راجع بکمی مدت یکسال و دو سال بود اصلاح سیمی ایشان این بود که برای نظارت همراه این عده چند نفر فرستاده شود که مخصوصاً در موضوع دیانت آنها نظارت داشته باشند چهارم قضیه انتخاب آنها بود اما راجع بقسمت اول یعنی تقسیم کردن محصلین اعزامی به فرانسه و آلمان بنده تصور می کنم وزارت جنگ دو نکته را ملحوظ داشته که خودش باین عقیده و خیال نیفتاده و یکی این است اشخاصی را که می خواهند بفرستند یک جوانها و بچه هائی نیستند که برای آنها یک مدت متداری در نظر گرفته شود که علوم مقدماتی و زبان آن مملکت را تحصیل بکنند که بعد بتوانند از علوم عالی استفاده کنند ناچار اشخاصی را که می فرستند اشخاصی هستند که بعد رشد رسیده و زبان آن مملکتی هم که می خواهند بروند در آنجا

تحصیل کنند می دانند و دیگر محتاج نیستند مدتی در آنجا تحصیل الفباء و نکات مقدماتی را بکنند و این مسئله از نقطه نظر اقتصاد هم لازم است و اگر آقای شیخ الاسلام به اهالی این مملکت و اشخاصی که کم و بیش تحصیل السنه خارجه را کرده اند مراجعه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که از نقطه نظر تناسب آلمانی دان خیلی کم است بلکه بنده تصور می کنم در تمام قشون و صاحب منصبان این مملکت ده نفر آلمانی دان پیدا نشود که وقتی بآلمان فرستاده میشوند مستغنی باشند از اینکه چهار پنج سال وقت خود را صرف اصول مقدماتی و ابتدائی بکنند ولی زبان فرانسه از چندین سال باین طرف شیوعی پیدا کرده است و غالب اشخاص از السنه خارجه فقط فرانسه را تحصیل کرده اند و ملاحظه اینکه این مسئله کار آنها را آسان میکند که محصلین را به فرانسه میفرستند یک نقطه نظر دیگر که گمان می کنم وزارت جنگ داشته است این بوده است اگر چه حق این بود که نماینده از طرف وزارت جنگ در این جا باشد و این نقطه نظر را بیان کند ولی حالا که نیست عرض می کنم در یک مملکتی که قشون تاسیس میشود باید از روی یک اصول واحد باشد آلمانیها و فرانسویها هر یک در اصول نظامی خودشان چه در مسائل کلی و چه در مسائل جزئی یک رویه و سابقه های مختلفی دارند و اگر ما بخواهیم که سی نفر فرانسه و سی نفر بآلمان بفرستیم وقتی این اشخاص مراجعت کردند و خواستند افراد نظامی ما را تربیت بکنند هر کدام از آنها بر طبق اصولی که به آنها تعلیم شده است می خواهند تعلیم بدهند و این مسئله تولید دوئیت می کند که از نقطه نظر نظامی بحال نظام مضر است محصلین نظامی را همیشه باید به یک مملکت فرستاده که از روی یک اصول واحد تربیت شوند و گمان می کنم این دلیل کافی باشد برای اینکه به آقای شیخ الاسلام و سایر آقایان ثابت و مبرهن بشود که وزارت جنگ و کابینه آقای مشیرالدوله یک نظر خصوصی و رفاقت و یک نظر سیاسی در این خصوص نداشته اند و فقط نقطه نظر تسهیل امر و وحدت تعلیم بوده است و اما نسبت به مسئله مدت تحصیل آنها و قضیه یکسال و دو سال البته یکسال بنظر خیلی کم می آید ولی باز هم این نقطه نظر وزارت جنگ مبتنی بر این بوده است که در اروپا مخصوصاً در فرانسه که خود بنده هم مسبوق هستم یک مدارس مخصوصی در مراکز افواج هست که آن را مدرسه سوز اقبسیه می گویند یعنی مدرسه صاحب منصبان جزه که دوره او برای خود فرانسویها شش ماه است وقتی یک کسی داخل خدمت نظامی میشود و سرباز میشود در صورتیکه هیچ تحصیل

مقدماتی و ابتدائی نظام را نداند همینقدر که خواست ارتقاء رتبه پیدا کند یک مدتی از وقت خودش را صرف میکند یعنی پنج شش ماه در آن مدرسه کار می کند و همان تحصیلات مقدماتی شش ماهه کافی است که او را صاحب منصب جزه بکنند حالا این آقایانی را که می خواهند از اینجا بخارج اعزام دارند و دوره تحصیل آنها را یکسال در نظر گرفته اند از نقطه نظر عمل است نه برای تحصیلات خیلی مفصل یعنی پس از اتمام دوره مدرسه در یکی از افواج داخل شده و مدتی هم در آن فوج عملیات بکنند که در موقع مراجعت بایران یک صاحب منصب های تجربه کرده و با معلوماتی باشند و در این نقطه نظر وزارت جنگ خواسته است هم ملاحظه صرف وقت و هم ملاحظه صرف مال را کرده باشد آقای شیخ الاسلام اشاره فرمودند چهار سال و پنج سال برای امتداد تحصیل محصلین عمر ملی حساب میشود و اهمیتی ندارد صحیح است پنج سال ده سال از هر یک ملت چیزی نیست و این یک اصل مسلمی است لکن اشخاصی که باین اصل قائلند آن ها نقطه نظرشان با افراد یک ملتی نیست بهیچ جا همه یک ملت و بالاخره بزرگسایون ها و طبقاتی است که میروند برای آن ها یک اقداماتی می کنند و یک نتایجی میکنند البته صد سال یادویست سال هم درزندگانی یکملتی چندان اهمیت ندارد ولی برای احتیاجات فوری و قوتی و فعلی یک ملتی مثل ملت ایران یکسال و دو سال و پنج سال با هم خیلی متفاوت است و بنده وزارت جنگ را خیلی تقدیر می کنم که رعایت این مطلب را کرده است که هر چه زودتر یک اشخاصی را باین مملکت برگرداند که یک معلومات کافی برای رفع ضروریات فعلی قشون دارا باشند و راجع بمسئله دو سال هم که فرمودند برای استحضار خاطر تمام آقایان عرض می کنم که مدارس نظامی فرانسه که برای خود فرانسه صاحب منصب تهیه می کنند اصلاً دوره آن ها بیشتر از دو سال نیست .

حالا اگر آقای شیخ الاسلام لازم میدانند که آن ها را مجبور کنیم یکمدرسه با دوره پنج سال برای ما تهیه کنند این مسئله محتاج بیکمقدماتی است والا اگر ما بخواهیم یکمده را بفرستیم که در آن جا مشغول تحصیل علم نظام بشوند و در مدارس نظامی داخل شوند

مثلاً در مدرسه پیاده نظام که اسم آن مدرسه در فرانسه سن سیز است یا در مدرسه سن مور که مختص سواره نظام است یا مدرسه پولی تک تک یک که اختصاص بتوپ خانه دارد هیچیک از این مدارس دوره اش بیش از دو سال نیست ولی البته آن اشخاصی که در این مدارس داخل میشوند معلومات

مقدمانی را بقدر کفایت دارا هستند و دو سال تحصیل در آن مدارس برای آن ها کافی است و صاحب منصبانی که از این جا اعزام می شوند سعی میکنند که مقدمات و معلومات ابتدائی آن ها بقدر کفایت باشد و مطابق اطلاعاتی که بنده حاصل کرده ام در از کان حرب مرکزی مجلس امتعانی تشکیل شده و کلیه اشخاص را چه در مدارس نظامی اینجا و چه در مدارس دیگر تحصیل نموده باشند در صف خدمت می کرده اند و صاحب منصب بوده اند در از کان حرب حاضر و امتعانی میکنند و پس از امتعانی لایق ترین و با اطلاع ترین صاحب منصبان آن ها را بفرانسه اعزام مینمایند که در آن مدارس آن دو سال را هم تحصیل کرده و بایران مراجعت نمایند و در دفع ضروریات قشونی این مملکت را بنمایند

قسمت سوم فرمایشات آقای شیخ الاسلام که راجع بفرستادن اشخاص برای نظارت همراه این صاحب منصب ها بود که اعمال و اخلاق آن ها مخصوصاً اصول دینی آن ها محفوظ بماند

گمان میکنم آقا تصور فرموده اند اشخاصیکه از اینجا بفرانسه اعزام می شوند بچه های هشت و نه و ده ساله هستند والا تصدیق می فرمائید يك اشخاصی که بیست و هشت یاسی سال از عمرشان می گذرد و عمر خود را در مملکت خودشان در بین همفکرها و همزبانها و هم مذهب های خودشان گذرانیده اند و حالا می خواهند يك سال از این مملکت خارج شوند اگر بنا باشد يك نظری داشته باشند که اصول دین خود را فراموش نکنند البته از این قبیل اشخاص باید ما پوس بود صاحب منصبان ارشدی هم که در این لایحه پیش بینی شده همان طوری که خود آقا هم اظهار فرمودند برای نظارت در کار کردن آن ها است و بیشتر نقطه نظر برای مساعی نظامی و تربیت فرار دادن آن ها در افواج مختلفه نظامی بود

حتی اینکه وزارت جنگ خیال داشته است از اعزام خود آن صاحب منصبان ارشد هم يك استفاده هائی بکنند سابق هم این نظر را داشته ولی بواسطه بعضی پیش آمد ها و احتیاجاتی که بوجود صاحب منصب پیدا کرده اند و در اثر اتفاقات تأخر آمیز اخیر و اعزام قوا بتمام نقاط مختلفه مملکت نمی دانم نظریت وزارت جنگ تمیر کرده است یا خیر

ولی آن وقت شنیده بودم که فرمانده کل قوا در نظر داشتند رئیس ارکان حرب خود را که یکی از صاحب منصبان کامل و تحصیل کرده عالی است و در روسیه قطع نظر از تحصیلات نظامی در مدرسه معلی نظامی هم تحصیل کرده بفرانسه بفرستند که در اسکول دو گر فرانسه که یکی از

مدارس فوق مدارس نظامی فرانسه است در ضمن اینکه بترتیبات سایرین نظارت می نمایند خودشان هم شخصاً در آنجا استفاده های بنمایند و اما در موضوع انتخاب این عده از قرائه بنده در آن باب چیزی نمی خواهم عرض کنم ولی فقط متذکر میقوم که اصول همومی دنیا پیش بینی می کند که برای حفظ وطن و حفظ مملکت و خانه خود هر کس باید خود را در معرض کشته شدن بگذارد و این مسئله هیچ تفاوتی برای طبقات مختلفه اهالی ندارد و برای بنده که مخصوصاً خودم یکی از معتقدین بنظام اجباری در این مملکت هستم البته بیشتر از این لازم نیست توضیح عرض کنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده موافقم رئیس - بفرمائید

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض می کنم با این فقره موافق نیستم مملکت را فرا گرفته گمان نمی کنم ما بتوانیم این عهد بختار چه اعزام کنیم از آن طرف هم تصدیق می کنم که صاحب منصب هم لازم داریم ولی بمتقدم بنده ممکن است با نصف یا نالک این وجه چند نفر معلم خیلی خوب اینجا آورد و در همین جا مدرسه تأسیس کرد و با این بی پولی بنده اعزام این شصت نفر را بفرانجه بکلی بی اساس میدانم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم بعد از شرحی که آقای مقبر معترم بیان کردند دیگر هیچ شبهه برای کسی باقی نمانده باشد و در وجوب و ضروری بودن صاحب منصب هم هیچ تردیدی و حرفی باقی نیست کلام راجع بتملیم نیست بلکه راجع به ملیات است

ما امروز هیچ خرجی لازم تراز مغارج قشونی نداریم و هر خرجی داریم باید کنار گذارده و خرج قشون بکنیم تمام چیزهای ما در دست سرنیزه تهیه میشود و سرنیزه ما که قوت داشته باشد معارف داریم عدالت داریم تجارت داریم زراعت داریم و بالاخره همه چیز داریم

هر چیزی که تصور بفرمائید در نتیجه داغتن قوه است پس تمام اهتمامات اساسی ما باید متوجه قشون باشد مخصوصاً خود فرمانده کل قشون در کمیسیون میگفت که من با این زحمات زیادی که کشیده ام دو ملیون از دولت طلبکار هستم این مبلغ را بدو و مجلس شورای ملی تقدیم میکنم برای خاطر اینکه شصت نفر صاحب منصب

خوب برای قشون تهیه کنم و ما میدانیم امروز بقدر احتیاج صاحب منصب داریم و در تمام فرونها قشون نیرومند ما مشغول جنگ است با این احتیاجی که بقشون و عناصر سلطنت و شجاع داریم چه طور میتوانیم مبادرت باین امر نکنیم اما اینکه فرمودید معلم بیاوریم مگر حضرت مستطاب عالی در این مملکت نبودید؟

کدام معلم را آوردیم و از آن ها استفاده کردیم؟ و اگر هم استفاده کردیم از آن هائی بوده است که رفته اند در خارج تحصیل کرده اند و مراجعت نموده اند و مخصوصاً باز تکرار می کنم ما نمی خواهیم این عده بروند درس بخوانند

میخواهیم بروند آنجا و عملیات نظامی خود را تکمیل کنند و در فروت وصف خدمت کنند و تعلیمات آن ها را آموخته مراجعت نمایند و در این جا مشغول عکار شوند

رئیس - آقای ارباب کیخسرو - بنده عرض می کنم موافقم با مخالف؟

از باب کیخسرو - بنده عرض می کنم موافقم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله - بلی

حاج شیخ اسدالله - این مطلب را لازم است قبلاً عرض کنم که چون بنده داخل در جمعیت هستم و نسبت باین مطالب در جمعیت ما تصمیمی اتخاذ نشده است اظهاراتی که عرض میکنم از نقطه نظر شخصی است و هیچ مربوط بجمعیت نیست و با این بیاناتی که آقای شیخ الاسلام فرمودند و از نقطه نظردیانت خواستند در این موضوع موافقت خود را ثابت کنند و با فرمایش خیلی منطقی و خوب حضرت والا معذالك بنده مخالفم

اما راجع بنظردیانتی البته در جای خود محترم و مقدس و محفوظ است و همه ماها میدانیم که صاحب منصب برای مملکت ما لازم است ولی باید ببینیم کدامیک از این حقوق برای مملکت ما انفع است یک عده از صاحب منصبان را بیاوریم اعزام داریم با اینکه یک عده از صاحب منصبان و معلمین و متخصصین را از هر مملکت که نظامش بهتر است جلب کنیم که صاحب منصبان ما را تعلیم دهند يك وجهی برای این کار تهیه شده است که شصت نفر شاگرد یا صاحب منصب با آن ترتیباتی که بیان فرمودند امتعانی کنند و بعد از این که درجه تحصیلاتشان در کمیسیون معین شد بفرانسه بفرستند ولی اگر مغارج آن ها را ملاحظه بفرمائید از صد هزار تومان متجاوز است و باید این وجه را ما باین مصرف برسانیم لکن عقیده بنده این است که اگر ممکن

شود دولت از معلمین و صاحب منصبان آلمانی جلب کند و اگر دولت آلمان تقاضای مساعدت کند صاحب منصب فرانسوی را جلب نمایند و يك مدارس برای تحصیل عناصر سلطنت و شجاع داریم چه طور میتوانیم مبادرت باین امر نکنیم اما اینکه فرمودید معلم بیاوریم مگر حضرت مستطاب عالی در این مملکت نبودید؟

کدام معلم را آوردیم و از آن ها استفاده کردیم؟ و اگر هم استفاده کردیم از آن هائی بوده است که رفته اند در خارج تحصیل کرده اند و مراجعت نموده اند و مخصوصاً باز تکرار می کنم ما نمی خواهیم این عده بروند درس بخوانند

میخواهیم بروند آنجا و عملیات نظامی خود را تکمیل کنند و در فروت وصف خدمت کنند و تعلیمات آن ها را آموخته مراجعت نمایند و در این جا مشغول عکار شوند

رئیس - آقای ارباب کیخسرو - بنده عرض می کنم موافقم با مخالف؟

از باب کیخسرو - بنده عرض می کنم موافقم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله - بلی

حاج شیخ اسدالله - این مطلب را لازم است قبلاً عرض کنم که چون بنده داخل در جمعیت هستم و نسبت باین مطالب در جمعیت ما تصمیمی اتخاذ نشده است اظهاراتی که عرض میکنم از نقطه نظر شخصی است و هیچ مربوط بجمعیت نیست و با این بیاناتی که آقای شیخ الاسلام فرمودند و از نقطه نظردیانت خواستند در این موضوع موافقت خود را ثابت کنند و با فرمایش خیلی منطقی و خوب حضرت والا معذالك بنده مخالفم

اما راجع بنظردیانتی البته در جای خود محترم و مقدس و محفوظ است و همه ماها میدانیم که صاحب منصب برای مملکت ما لازم است ولی باید ببینیم کدامیک از این حقوق برای مملکت ما انفع است یک عده از صاحب منصبان را بیاوریم اعزام داریم با اینکه یک عده از صاحب منصبان و معلمین و متخصصین را از هر مملکت که نظامش بهتر است جلب کنیم که صاحب منصبان ما را تعلیم دهند يك وجهی برای این کار تهیه شده است که شصت نفر شاگرد یا صاحب منصب با آن ترتیباتی که بیان فرمودند امتعانی کنند و بعد از این که درجه تحصیلاتشان در کمیسیون معین شد بفرانسه بفرستند ولی اگر مغارج آن ها را ملاحظه بفرمائید از صد هزار تومان متجاوز است و باید این وجه را ما باین مصرف برسانیم لکن عقیده بنده این است که اگر ممکن

معلمین خیلی خوب جلب کرد آن هم نیکسال به دو سال بلکه ممکن است چهار سال و پنج سال از آن ها استفاده کنیم نه مثل سایرین که وقتی یک نفر را بیاوریم بدون اینکه کار کند اولاد اولاد او هم می خواهد از این مملکت پول بگیرد و زندگانی کند هم از این که کار کرده باشد یا نکرده باشد خیر این طور نیست اگر کار نکرد باید عذرش را خواست و نباید یک نفر متخصص بیاورید که از او استفاده کنند

این است نظریه بنده و اگر این طور رفتار کنند البته از برای حالت روحیه قشون هم انفع است

مخبر - تصور می کنم در این جا آقایان اشتباهی کرده اند آیا تصور میکنید وزارت جنگ شما اقدامات خود را بفرمایند که این شصت نفر از برای این صاحب منصبان منصرف بجهت يك کار خواهد نمود؟

خیر این طور نیست تمام نظریاتی که شما دارید از قبیل خواستن معلم یا تأسیس مدرسه تمام این ها را وزارت جنگ بسرحده اکل در نظر دارد و در این صدد هم است و تصور می فرمائید که این اقدامات ما بیک دیگر منافات دارد خوب است

آقای حاج شیخ اسدالله از طرف وزارت جنگ و از طرف مدافعین این لایحه و کسالت بفرمائید و نگویید اعزام تحصیلین بخارجه با جلب معلمین تفاوت ندارد خیر اختلاف دارد برای این که اگر امروز ما صاحب منصب معلم بیاوریم و تأسیس مدرسه کنیم از این قضیه آن نتیجه توری را که از اعزام معلم باور می خواهیم نخواهیم گرفت چرا؟ برای اینکه این عده را که شمامی فرستید بیک مملکتی میروند که منبع این علوم است و تأسیسات منظم و مرتب حاضری دارد و هیچ زحمتی ندارد غیر از این که بروند و داخل فلان کارخانه آبرویان سازی بشوند و نگاه کنند یا بروند فلان کارخانه توپ ریزی و فشنگ سازی را ملاحظه کرده و بیاورند افواج مرتب توپخانه های منظم تشکیلات نظامی صحیح مانورهای مرتب و منظم همه جا حاضر است و می بیند و در عرض یکسال استفاده هائی را از آن هائی که کند و از این جا بیاورید با آن اهتماماتی که دارید بهتر از آن هائی می توانیم استفاده کنیم و با بودن آن ها یک عده بیشتر را میتوانیم تربیت نماییم البته او هم وقتی دانست و فهمید که این رویه برای قشون انفع است همان ترتیب را اتخاذ خواهد کرد و هیچ نظر خاصی ندارد همه ما معتقدیم که باید صاحب منصب تربیت بشود مثلاً آقای شیخ الاسلام فرمودند باید يك نفر آخوند هم جهت اصول و حفظ شعائر اسلامی و دیانتی همراه آن ها فرستاد ولی بنده عرض می کنم اگر در همین جا مدرسه نظامی تأسیس نمایند صاحب منصبان را در همین جا تربیت نمایند بهتر است و با این وجه می توان یک عده از

کار می راهم که شما می گویند باید کرد و با هم منافاتی ندارد و البته معلم هم باید آورد نه فقط در نظام بلکه در تمام شقوق و رشته های معارفی ولی اگر فقط بخواهیم بهمین یکسخت اکتفا کنیم که شما باین قسمت مخالف باشید آنوقت در نتیجه ما هم مخالف خواهیم بود

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - آقایان مذاکرات زیادی فرمودند عقیده بنده این است که از این لایحه دو مطلب منظور است و لکن از ماده واحده مستفاد نمیشود یکی این که در ماده نوشته شده است معلم نظامی دور مقدمه لایحه صاحب منصب نوشته اند اما در خود ماده تصریح نشده که این شصت نفر از برای این صاحب منصب باشند و حال آن که مقصود این است که صاحب منصب باشند و برای تکمیل عملیات نظامی بآن جا بروند لذا بنده پیشنهاد کردم در خود ماده اسم صاحب منصب ذکر شود زیرا اگر ناین باشد فائده چندانی برای ما نخواهد داشت مسئله دیگری که شاید مقصود باشد همان قسمی که آقای مقبر فرمودند این شصت نفر را که بفرانسه می فرستند باید در تحت نظر اشخاصی باشند و این فرمایشاتی که در مجلس شد شاید مراد پیشنهاد کنندگان هم این نباشد و مقصود این است که با آن صاحب منصب ارشدی باشد لکن ماده باین مسئله هم دلالت ندارد و بنده عرض میکنم از جمله چیزهایی که خیلی لازم است این است که این شصت نفر در تحت نظر يك صاحب منصب ارشدی باشند اگر نباشند ضرورت زیادتر از نقش خواهد بود زیرا تجربیاتی که خود ما کرده ایم و شهودش هم در مجلس حاضر است قریب بیست نفر از صاحب منصبان نمره اول که از مدرسه هم فارغ التحصیل شده بودند همراه ما بودند و شش روز اگر مفتش برای آن هائی که ما شصت اسباب زحمت میشدند

پس خوب است صاحب منصب ارشدی همراه آن ها باشد که آن ها را در تحت نظر خود در آورد و این پولی را که خرج میکنیم در عوض يك نفعی برای مملکت بیاورند هیچ دخلی هم با اصول دین و غیره ندارد زیرا اگر این جا نمی دانند آن جا هم نخواهد دانست و اگر بدون سرپرست یا صاحب منصب مافوقی بروند بنده مثل این می دانم که این پول را بدست خودمان تلف کرده ایم و هیچ فائده هم با آن ها مترتب نیست و يك دو سال هم خواهند ماند بعد که می آیند بدتراز روز اول خواهند بود

مخبر - در این پیشنهاد آقای مدرس که می فرمائید بجای معلم نظامی صاحب منصب نظامی نوشته شود البته آقایان تصدیق میفرمایند که مخبر کمیسیون نمی تواند نظر

رد داشته باشد و نظر قبول. برای مخبر فرقی نمیکند اما باید مقصود وزارت جنگ را فهمید باید نظریات جنگ هم بمنظور باشد ولی نقطه معصی را که این جا گذارده اطلاق بر صاحب منصب هم میشود

حالا اگر آقای مدرس خیلی اصرار داشته باشند ممکن است از طرف مقام ریاست مقرر شود توسط تلفن از فرمانده کل قشون سؤال شود که این تمهید رامی پذیرند یا خیر؟

اما قسمت ثانوی که اظهار فرمودند در ماده هم کاملاً ملحوظ شده برای این که از برای چهار نفر صاحب منصب ارشد از قرار هر نفری ۱۴۶۰۰ فرانک در سال معین شده که این مبلغ در جزو مبلغ کلی که در تحت ماده واحده منظور شده است بنابراین ماده واحده نظر آقای مدرس را کاملاً تأمین میکند ولی در مسئله اول بنده هم با آقای مدرس موافقم و قطعا اطمینان دارم که نظریه وزارت جنگ هم همین است

فهییم الملک - اجازه میفرمائید؟

رئیس - راجع به چه چیز است؟

فهییم الملک - راجع به پیشنهاد آقای مدرس است

رئیس - عضو کمیسیون هستید؟

فهییم الملک - خیر

رئیس - بفرمائید

فهییم الملک - این طور که آقای مدرس پیشنهاد کردند گمان می کنم خوب نباشد که لفظ معلم را برداریم و لفظ صاحب منصب بجای آن بگذاریم یعنی بگوئیم فلان مبلغ اعتبار داده میشود برای فرستادن شصت نفر صاحب منصب مفهوم این کلمه این است که یک عده صاحب منصبی را بفرستند برون تحصیل کنند و این خوب نیست راجع بر سر پرست هم که فرمودند بنده متأسفانه با تجاربی که در مدت اقامت خود در آنجا حاصل کرده ام میدانم صاحب منصبی را که برای نظارت این عده خواهند فرستاد هیچ کار بکار شاگرد ندارند و شاگرد در مدرسه با صفوف نظامی با جاهائی که باید تحصیل بکنند میروند آن صاحب منصب ها هم در خیابانها و تفرجگاهها گردش می کند و ابداً کاری بکارگردان ندارند عقیده بنده این است که باید سر پرست این شاگردان همان دولت فرانسه باشد که با روابط دوستی و یگانگی که با دولت ایران دارد و بلامرله با آن علاقه که دارد که کارگردانی که به مملکت آنها فرستاده میشود دارای معلومات خوبی باشند و باید تحصیلات و معلومات عمیقی با وطن خود مراجعت کنند نظرات کامل درباره آن ها خواهد نمود و الا صاحب منصب گاهی ممکن است با آن ها سر کشی بکنند اما از فوق العاده در تحصیلات

- پروگرام آنها ندارد بنابراین يك چیزی فائده ایست
- رئیس - ماده واحده قرائت میشود و بعد رای میگیریم آقایان بکنند تصویب می کنند و ورقه سفید و اشخاصیکه در کمیسیون درجه قبول خواهند داد
- (ماده مزبوره مجدداً قرائت و شروع بخند رای شد)
- آقا میرزا علی کازرونی - اجازه می فرمائید توضیحی عرض کنم؟
- رئیس - مذاکره در بین رای معمول نبوده است
- آقا میرزا علی - بلی صحیح است لکن تصدیق می فرمائید که مطلب خیلی مهم و مهم نوشته شده است
- (آقایان نظام الدوله و امیر ناصر شروع به تمهید آراء نموده و به ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)
- عده حاضر ۸۰ نفر
- ورقه سفید علامت قبول ۵۶
- ورقه کبود علامت رد ۵
- امتناع ۱۹
- (اسامی رأی دهندگان لایحه وزارت جنگ راجع به اعزام شصت نفر معلم نظامی بفرانسه)
- اسامی قبول کنندگان: (ورقه سفید ۵۶)
- آقای نصرت الدوله
- آقا شیخ ابراهیم زنجانی
- دکتر لقمان
- امیر ناصر
- مساوات
- منتصر الملک
- آصف الملک
- میرزا شهاب الدین
- وقار الملک
- ناظم دفتر
- وحید الملک
- شیخ العراقرین زاده
- دولت آبادی
- وکیل الملک
- میرزا هاجم آشتیانی
- حاج امین التجار
- اقبال السلطان
- مستد السلطنه
- احتشام الدوله
- آقا سید کاظم یزدی
- آقا سید محمد تقی طباطبائی
- فتح الدوله
- ناظم الامه
- سالار معظم
- نظام الدوله
- حاج میرزا اسدالله خان
- حاج میرزا مرتضی کرمانی
- سید فاضل کاشانی
- شیخ الاسلام ملایری
- سید حسن خان بلوچ

آقای سهام السلطان
 « قوام الدوله
 « میرزا محمد نجات
 « صدرالاسلام ابهری
 « ارباب کبشرو
 « میرزا ابراهیم خان
 « محمد هاشم میرزا
 « عدل السلطنه کرمانی
 « حاج نصیر السلطنه
 « بیان الدوله
 « معذولی میرزا
 « عماد السلطنه خراسانی
 « حاج میرزا تقی خان نائینی
 « رفعت الدوله
 « حمید الممالک
 « فهیم الملک
 « معنی العلماء
 « میرزا سید حسن مجتهد کاشانی
 « رکن الملک
 « آقا میرزا ابراهیم قمی
 « امین الشریعه
 « سردار معظم کردستانی
 « آقا سید محمد تدین
 « آقا سید یعقوب شبرازی
 « سردار مفخم قزوینی
 « میرزا محمد حسین صدرائی
 « ۵۶ ورقه سفید
 « اسامی رد کنندگان : (ورقه کبود) ه
 « آقای شیخ الاسلام اصفهانی
 « حاج شیخ محمد حسن گروسی
 « بهاء الملک همدانی
 « بیان الملک
 « مستشار السلطنه
 « ۵۷ ورقه کبود
 « لایحه (۲)
 « رئیس - با کثرت ۵۶ رأی تصویب
 « شد . مذاکرات در بقیه دستور به بعد از
 « تنفس موکول میشود
 « (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل
 « و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
 « رئیس - بقیه دستور جلسه لایحه
 « اخذ حق العبور راهپهران به مداوند است
 « لکن چون مطلبی جدیداً پیشنهاد شده و
 « تقاضای فوریت کرده اند قرائت میشود
 « (بعضیون ذیل قرائت شد)
 « نظر . باینکه قانون مورخه ایله اوز
 « قوس تغافوی ثیل ۱۳۰۰ بدولت اجازه
 « داده است که راجع به امتیاز نطق شمال با
 « کمیانی امریکائی موسوم به استنادار
 « دایل داخل مذاکره شده و با رعایت اصول
 « قانون مزبور صورت امتیازنامه مفصلی طرح
 « و مجدداً به مجلس پیشنهاد نمایند نظر باینکه
 « شش ماه و نیم از تاریخ بزم بودی گذرد و هنوز
 « تکلیف قطعی این امر مشخص نشده نظر باینکه
 « کمیانی های معتبر مستقل امریکائی دیگر
 « نیز هستند که مایل به تقدیم شرایطی بدولت
 « می باشند و نظر باینکه منظور مقنن در موقع
 « تصویب قانون مزبور و اجازه امتیاز به

کمیانی استنادار دایل فقط استفاده از
 منابع ثروت مملکتی بوسیله سرمایه کمیانی
 های معتبر امریکائی که عاری از هر نوع
 نظری بوده باشند بوده لهذا برای اینکه
 بواسطه مذاکره در پیشنهادات کمیانی های
 متعدد منافع اقتصادی مملکت بهتر رعایت
 شده و برای دولت وسیله مقایسه بین شرایط
 مختلف موجود گردد . ما امضاء کنندگان
 با قید فوریت پیشنهادی نماینده مجلس شورای
 ملی تصویب فرمایند که در ماده اول قانون
 مذکور در فوق پس از عبارت (کمیانی
 استنادار این عبارت ذیل افزوده شود
 (با کمیانی معتبر مستقل امریکائی دیگری)
 که باین طریق ماده اول قانون مزبور از این
 قرار خواهد بود:
 مجلس شورای ملی ایران و گذاری
 امتیاز حق استخراج فقط ایالات منفصله
 الاسامی شمال ایران را بکمیانی استنادار
 دایل یا کمیانی معتبر مستقل امریکائی دیگری
 تصویب مینماید . نقاط مزبور شامل
 ایالات
 آذربایجان - گیلان - استرآباد
 و مازندران و خراسان خواهد بود
 نصرت الدوله - عمده امضاء کنندگان
 را بفرمایند
 « منتصر الملک - چهل و دو امضاء
 « دارد
 « رئیس - آقای آقا میرزا محمد
 « نجات
 « (اجاز)
 « نجات - از آن جا اینکه این مطلب
 « خیلی فوق العاده است و هیئت وزراء در
 « موقع مذاکره در آن باید در مجلس حاضر
 « باشند
 « (و بعلاوه این پیشنهاد را آقای قوام السلطنه
 « کرده اند و طرف اعتماد اکثریت هم شده اند
 « و باید در موقع مذاکره حاضر باشند) و هنوز
 « هم این مطلب در فرا کسیون مانده است
 « بنده پیشنهادی که من این مطلب را تأخیر
 « بیاورد تا در فرا کسیون مذاکره شده و
 « بعد به مجلس بیاید
 « رئیس - آقای ملک الشعراء
 « (اجازه)
 « ملک الشعراء - بنده هم تقریباً
 « همان نظریه آقای نجات را دارم و عقیده ام
 « این است که چون یک عده زیادی از آقایان
 « نمایندگان باین پیشنهاد سابقه نداشته و
 « بکلی بی اطلاع هستند و بعلاوه هیئت متحده
 « که تقریباً اکثریت نمایندگان را در پارلمان
 « حائزند در این باب صحبتی نکرده اند این
 « است که بنده پیشنهاد می کنم این مطلب
 « در این جلسه مسکوت عنه بماند تا در هیئت
 « متحده مطرح شده و نظریات رفقا در این باب
 « تعیین گردد و در جلسه آتی مطرح شود
 « رئیس - آقای نصرت الدوله
 « (اجازه)
 « نصرت الدوله - بنده یکی از امضا

کنندگان این پیشنهاد هستم و چنانکه
 می بینید ۴۲ نفر از آقایان نمایندگان بقید
 فوریت آن را امضا کرده اند
 از برای بنده نظر باینکه داخل در هیچ
 جمعیتی نیستیم اشکالی که برای آقایان نجات
 و ملک الشعراء وارد است وارد نیست لهذا
 بنده تصوری کنم اگر درست مذاکره در این
 پیشنهاد شود می بینم یک چیزی نیست که
 محتاج به هیچ نوع مذاکره و تبادل فکر
 باشد .
 مگر امضاء کنندگان این پیشنهاد چه
 گفته اند ؟
 مجلس شورای ملی در شش ماه و نیم
 قبل از این یک قانونی تصویب نموده و بموجب
 آن بدولت اجازه داد که با کمیانی استنادار
 ایل امریکائی راجع به امتیاز نطق شمال که
 ملک طلق و ملک دولت و ملت ایران است
 داخل مذاکره شده و تهیه امتیازی نموده
 صورت آن را به مجلس تقدیم دارد شش
 ماه و نیم از آن تاریخ می گذرد
 کابینه قوام السلطنه و مشیر الدوله هر
 دو رفتند و هیچ کدام موفق نشدند مذاکرات
 با کمیانی استنادار دایل را تمام کنند حالا
 ما در حواشی این مسئله خیلی چیزها شنیده ایم
 ولی از طرف دولت رسماً چیزی به ما گفته
 نشده است
 ما هیچ نفهمیدیم برای چه دو دولت
 رفتند و نتوانستند این مسئله را حل کنند
 در صورتیکه این قضیه قضیه مشکلی نیست
 امتیاز نفت در دنیا بی سابقه نیست
 کمیانی استنادار دایل از حیث ثروت و
 عملیات نفتی بزرگترین کمیانی دنیا است
 و البته اگر برای آنها اشکالات اساسی و
 اصولی در بین نبود .
 طرح یک شرایطی اشکالی نداشت .
 خلاصه ما یک مطالبی در اطراف این
 مسئله از خارج شنیدیم لکن از این قضیه از
 مجرای رسمی دولت که مبیاستی اطلاع
 حاصل کنیم اطلاع حاصل نکرده ایم .
 حالا اغضای که این پیشنهاد را
 امضا کرده اند .
 آیا می گویند دولت دیگر با کمیانی
 استنادار دایل مذاکره ننماید ؟
 غیر میگویند با آن کمیانی مذاکرات
 خود را تعقیب کند ولی دستش باز باشد اگر
 کمیانی های دیگری آمدند و گفتند ما هم
 یک شرایطی داریم و پیشنهادی کنیم نکوید
 من حق ندارم شرایط شما را مطالعه نمایم
 چنانچه این مسئله را بطور قطع می-
 توانم عرض کنم زیرا خود من از رئیس
 دولت شنیدم که گفتند چون در این قانون
 فقط اسم کمیانی استنادار دایل قید شده
 است ما نمی توانیم با کمیانی دیگری داخل
 مذاکره شویم .
 بنابراین این چه قیدی است که مجلس
 شورای ملی در آن کار و نظر انظار عموم اینطور

ترجیح میدهم که هر مشیولیت و محظوری که
 در آن مسئله دارد بنده که یک نفر وکیل هستم
 برعهده بگیرم تا دولت در قضیه نباشد بهمین
 نظریه بود که بنده با اینکه می دانستم ولی
 فهمیدم که باید نظریه دولت را کسب نمود
 بدون آنکه نظر دولت را دانسته باشم این
 پیشنهاد را امضاء کردم البته حکمیت این
 قضیه هم مثل حکمیت سایر قضایا بسته
 به رای اکثریت مجلس است حالا اگر
 اکثریت مجلس صلاح می داند رأی میدهم
 و اگر هم صلاح را بتأخیر مسئله می داند ما
 هم مطیع خواهم بود ولی البته در آتی اگر
 بکرحمتانی از رای اکثریت برای دولت
 حاصل شود مشیولیت آن برعهده اکثریت
 خواهد بود
 رئیس - آقای تدین
 « (اجازه)
 « تدین - بنده هم یک نفر از امضاء
 « کنندگان این پیشنهاد هستم و در عین اینکه
 « جزو امضا کنندگان هستم یک نفرم و از نقطه
 « نظر علاقه مندی به مملکت هیچ فرق نمیکند
 « که انسان یک نفر باشد یا در جمعیت داخل
 « باشد .
 « بنده در این مدت در اطراف این مسئله
 « مطالعاتی کرده ام و البته همه آقایان هم
 « مطالعاتی کرده اند و از محظوراتی که در
 « اطراف این موضوع حیاتی ایجاد شده
 « مستحضر هستند .
 « بنابراین خیلی مایل بودم که در این قسمت تجدید
 « مذاکره بشود و نظریات خود را عرض کنم .
 « علت موافقت بنده با این موضوع
 « منی برون اصل اقتصادی است و البته همه
 « آقایان تصدیق می فرمایند که در موضوع
 « تجارت و اقتصاد
 « اگر چنانچه رقابت در بین ایجاد نشود
 « بهره از برای اشخاصی که می خواهند
 « استفاده کنند حاصل نخواهد شد و البته
 « بموجب این پیشنهاد دست دولت باز میشود
 « و ممکن است در مقابل کمیانی استنادار
 « دایل یک رقابت و کمیانی های دیگر ایجاد
 « شود که ما از رقابت اقتصادی آن کمیانی
 « ها بترسیم استفاده کنیم در حالی که این
 « نتیجه از این که مسئله را اختصاصی بیسک
 « کمیانی بهمین گرفته نخواهد شد . باین
 « جهت بنده باین پیشنهاد موافقت یک نفر
 « هستم و بقیه عقاید خود را عرض خواهم
 « کرد .
 « رئیس - در واقع مذاکراتی کمی
 « خود را هم بقوریت و عهد فوریت است زیرا
 « بدان نمی کنم کسی مخالف اصل مطلب
 « باشد و اینکه عرض کردم گمان نمیکند کسی
 « بالف اصل مطلب باشد عرض این بود که هر کسی
 « یا جمعیتی می توانست راجع باصل مطلب یک
 « پیشنهادی بکنند و موافق نظام نامه آن پیشنهادی
 « بکسیوسون رجوع می شود و ما از اینکه فوریت
 « را قبول بکنند یا نکنند .

این مسئله نرسد لکن مطابق فرمایشات
 رفقای خود آقایان نجات و ملک الشعراء و
 آقا سید فاضل تقاضای کنم که این مطلب
 بماند برای روز شنبه تا در فرا کسیون مذاکره
 شود و علت آن هم این است که اگر از حالا
 ما جمعیت خود را محکم کردیم و اختلاف
 نظر در میان ماها تولید نشد می توانیم موفق
 بشویم که هم یشتی باین دولت واقع شویم و
 مقاصد سیاسی خود را پیش ببریم .
 پس چون اول قدم سیاسی است که
 این جمعیت می خواهد بر دارد از مقام
 ریاست استعفا می کنم برای حفظ اکثریت
 ما این لایحه را بروز شبسه موکول
 فرمایند .
 رئیس - این تقاضا را باید از مجلس
 بکنید نه از بنده آقای مستشار السلطنه
 « (اجازه)
 « مستشار السلطنه - عرایض بنده
 « گفته شد .
 « رئیس - آقای ارباب کبشرو
 « (اجازه نطق)
 « ارباب کبشرو - بنده خیلی تمعجب
 « می کنم اساس مسئله همان قسمتی که آقای
 « آقا سید یعقوب گفتند در ظرف پنجاه دقیقه
 « از مجلس می گذرد و لکن وقتی که ما می
 « خواهیم دست دولت را باز کنیم و صرفه
 « مملکت را بهتر ملحوظ بداریم آنوقت
 « آقایان می گویند فوریت لازم نیست و
 « تامل لازم است تا ببینیم در فرا کسیون چه
 « نظری اتخاذ می شود .
 « البته آقایان مختارند لکن نباید این
 « مسئله از نظر محو شود که تا حال شش ماه و نیم
 « است از این قضیه می گذرد و هنوز این مسئله
 « لایحه مانده است ، ما چرا تقاضای فوریت
 « کردیم ؟ برای این که بیش از این منافع
 « مملکت بهتر نرو هر دقیقه که از هر اقتصاد
 « مملکت می گذرد بواسطه حفظ نکردن
 « نظریات اقتصادی بدبختانه قسمت عمده
 « مملکت رویریشانی می رود ما می خواهیم
 « جلوی این قسمت را بگیریم بنده فقط حالا
 « فوریت این مسئله را امضاء کردم بلکه اگر
 « نظر آقایان باشد در دو سه ماه قبل هم از
 « آقای مشیر الدوله سؤال نمودم که چرا تا بحال
 « این قضیه موقوف مانده است بنده صراحتاً
 « عرض می کنم اگر این مسئله بهمین حال
 « باقی بماند و مشتری ما فقط کمیانی استنادار
 « دایل باشد خیلی متأسفم که نمی توانم
 « بیانات زیادتری عرض کنم ولی همینقدر
 « می گویم لطفاً زیادتی باین مملکت خواهد
 « خورد .
 « بنده خودم در پارلمان امریکائی حاضر
 « داشتم که صدای امریکائیها از کمیانی
 « استنادار دایل بلند بود و می گفتند به
 « قدری در اطراف امریکا راجع بمسائل
 « اقتصادی این کمیانی با فشار وارد آورده
 « است که اسباب زحمت ماشده البته وقتی

آقای آقا سید فاضل - بنده یکی از اشخاص
 هستم که با کمال افتخار این پیشنهاد را
 امضاء کرده ام و از ابتداء که اجازه این
 مسئله بدولت داده شده بنده مطالعاتی در
 اطراف این مسئله چه در خارج داخلی و
 چه در مطبوعات خارجی که داده ام ترجمه
 نموده اند کرده ام و جهت امضای این پیشنهاد
 از دو نقطه نظر است هم از نقطه نظر
 اقتصادی و هم از نقطه نظر سیاسی مسئله
 راهم خیلی سراسر است می دانم انسان وقتی
 متاعی دارد می خواهد بفروشد با امتیازش
 را بفیر بدهد البته بآن کسی که بیشتر
 میخرد یا اجازه می دهد و گذار می کند
 و البته هر طور صلاح دولت و ملت باشد باید
 رفتار شود باین جهت بستن دست دولت در
 این باب خلاف عقیده بنده است و با آنکه
 کمال موافقت را باین مسئله دارم و از طرفی
 بعضی جمعیتی که جدیداً تشکیل شده و
 موسوم به هیئت متحده است متعجبم و هنوز وقت
 پیدا نشده است در اطراف این مسئله در
 جمعیت مذاکره شود لذا موافقت که عجلتاً
 این مسئله بماند تا در فرا کسیون در اطراف
 آن مذاکرات شده و در جلسه دیگر
 مطرح گردد .
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 « (اجازه)
 « آقا سید یعقوب - بنده آن شبی
 « که این لایحه را بمجلس آوردند در عرض
 « پنجاه دقیقه قبول کردم خود این طرف
 « آن طرف می دویدم که کسی بیرون نرود و این
 « مسئله بگذرد .
 « چرا ؟ برای اینکه خیال می کردم
 « اگر فوریت این مسئله نگذرد شاید منافع
 « خیلی گزافی از دست مامی رود بعد که
 « روزنامهجات را مطالعه کردم در اطراف
 « این مسئله اطلاعاتی پیدا کردم اساساً همان
 « طور که آقای تدین اظهار نمودند هر
 « کسی که متاع خود را در معرض فروش بیاورد
 « ندای دهد که من دارای چنین متاعی هستم
 « و مشتری لازم دارم .
 « مسلم است در صورتی که مشتری زیاد
 « تر باشد و رقابت در کار باشد متاع بهتر
 « فروش میرسد از قراری که اطلاع حاصل
 « کرده ام این نقطه بکسب گرانبانی است
 « که باید خداوند تبارک و تعالی را شکر
 « کنیم که چنین مملکتی که دارای این نعمت
 « گرانبانی است با ما حاضر شده و خیلی خوشحالم
 « از این که می بینم یک موقعی پیدا شده است
 « و در اطراف این مسئله تجدید نظر می
 « کنیم .
 « بنده این پیشنهاد را امضاء کرده ام
 « لکن چون در جمعیت متحده عضویت دارم
 « و همان طور که بیان فرمودند هیچکس از
 « اعضای آن جمعیت مخالف با تجدید نظر

تجارت منحصر شد بیک نفر مسلم است که
 هر قسم بغواهد فشار وارد می آورد و
 دولت هم مجبور است چون مجلس معامله
 را منحصر بآن کمیانی نموده قبول کند
 اشخاصی که این پیشنهاد را امضاء نموده
 انهمی گویند باید دولت پیشنهاد هر کمیانی
 مستقل امریکائی دیگری را مطالعه کند
 و به بیند هر کدام بصرفه و صلاح مملکت
 نزدیکتر است او را بپذیرد البته در صورتی
 که کمیانی استنادار دایل حاضر شود
 شرایط دولت را قبول کند او این امتیاز را
 خواهد گرفت باری می خواهیم دست دولت
 باز باشد و برای اینکه بیش از این فوت
 وقت نشود تقاضای فوریت کردم و بنده که
 یکی از آن امضاء کنندگان هستم پیشنهاد
 خود را تایید می نمایم .
 رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی
 « (اجازه)
 « حاج میرزا مرتضی - بنده هم
 « یک نفر از امضاء کنندگان این پیشنهاد
 « هستم .
 « اولاً آقایان که تقاضا کردند فوریت
 « نباشد یکی این بود که رئیس دولت حاضر
 « باشد دیگری این بود که در اطراف آن
 « مذاکرات بشود بنده عرض می کنم ما این
 « پیشنهاد را کرده ایم که دست دولت باز
 « کنیم این یک چیزی نیست که لازم باشد از
 « آن دفاع نمایم دولت فعلاً مجبور است فقط
 « با کمیانی که سابقاً مجلس رای داده است
 « مذاکره کند حالا ما می خواهیم دست دولت
 « را باز کنیم و بگوئیم اگر ممکن نشد با
 « کمیانی دیگری هم می توانی مذاکره بمانی
 « و این مسئله با بنیاب دولت منافاتی ندارد
 « و اما مذاکراتی که بناست در اطراف این مسئله
 « بشود بنده سؤال می کنم آیا بهتر نیست
 « انحصار بیک کمیانی ندهیم ؟
 « این واضح است اگر در تجارت
 « رقابت باشد همانطور که آقای تدین فرمودند
 « به نفع و صرفه ما خواهد بود و بنده هم قید
 « فوریت را امضاء کرده ام و عقیده دارم هر
 « چه زودتر این پیشنهاد از مجلس بگذرد
 « رئیس - آقای محمد هاشم
 « (اجازه)
 « محمد هاشم میرزا - آقای نصرت
 « الدوله اظهاراتی فرمودند که ممکن است
 « در خارج سوء تعبیر بشود و گفته شود هیئت
 « متحده باین موضوع مخالفت کرده اند
 « در صورتیکه از جهت و در نظر امضاء کنندگان
 « این پیشنهاد بیست و هفت نفر آن که عضو
 « هیئت متحده هستند منتهی چون در موقع
 « تنفس این پیشنهاد شد .
 « بعضی از آقایان چون سابقه نداشتند
 « عقیده داشتند با رفقای خودشان در این
 « موضوع مذاکره نمایند و الا یقین داریم
 « همه متفق خواهند بود اگر هم بعضی

از آقایان از قبیل آقای نجات و ملک -
 الشعراء مذاکره فرمودند نظرشان بهین
 مطالعه بود آقایان دیگر هم که امضاء نکرده
 اند برای این بود که مطالعه نکرده اند والا
 بنده گمان نمیکنم هیچ اختلافی در بین
 باشد و اگر مخالفتی دارند صراحتاً بفرمایند
 که معلوم شود و بنده گمان نمیکنم
 مخالفتی باشد زیرا که بیست و هفت امضاء
 متعلق به ما است و اینطور نیست که تمام امضاء
 متعلق به شخصی باشد که جزء هیئت متعده
 هستند خوب است حضرت و الامحض اینکه
 در خارج سوء تعبیری نشود فرمایش خود
 را تفسیر بفرمایند.

رئیس - آقای شیخ العراقرین
 زاده .
شیخ العراقرین زاده - بنده هم
 بعد از اظهارات حضرت والا شاهد همه
 هاشم میرزا می خواستم عرض کنم که اغلب
 امضاء کنندگان این پیشنهاد جزء هیئت
 متعده هستند و بهیچوجه مخالفتی مشاهده
 نمیکنم لکن عقیده ام این است که باشد برای
 جلسه آینده که روز شنبه است و امروز
 هم روز شنبه است و از امروز تا روز شنبه
 گمان نمیکنم اگر تأخیری بشود امیتی
 داشته باشد یا یک صدمات سیاسی و اقتصادی
 بیاورد آید .

بنده خود یکی از امضاء کنندگان
 هستم ولی چون میبینم بعضی از آقایان
 نمایندگان متایلند که این مطلب موکول
 بجلسه آتی شود عرض میکنم بماند برای
 روز شنبه .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
 (اجازه)
 این پیشنهاد را امضاء کرده ام و عقیده
 فوریت هم هست و مقصود این است که به
 کیسیون متکرات نرود و در مجلس این
 قضیه حل بشود.

رئیس - خیر معنی فوریت این
 نیست معنی این است که فقط یک شور
 بشود و بعداً بخواهند بکیسیون برود باید
 یک رای دیگر بدهند مواد نظام نامه
 قرائت می شود ملاحظه خواهند فرمود.
 (ماده نظامنامه داخلی بشرح
 ذیل قرائت شد)

ماده ۲۳ - در موقعی که لایحه یا طرح
 قانونی پیشنهاد می شود و وزیر یا صاحب
 طرح یا یکی از نمایندگان می توانند از
 مجلس تقاضا نمایند که فوری بودن آن را
 تصدیق نمایند.
 ماده ۲۵ - این چنین تقاضا با مقدمه
 که حاوی دلایل آن باشد اظهار میشود و
 پس از آن مجلس رأی در فوریت و عدم
 فوریت آن می دهد.
 ماده ۲۶ اگر مجلس فوریت آن

مطلب را تصدیق نماید
 مطلب مزبور را یا بشعبات مابینکی از
 کیسیون های مربوط بان که سابق تشکیل
 شده رجوع مینماید
 و نیز مجلس می تواند خود فوراً بان
 لایحه یا طرح قانونی رسیدگی کند و این
 در صورتی است که مخصوصاً در این باب
 رأی داده شود.

ماده ۲۷ - طرح یا لایحه قانونی
 که فوریت آن تصدیق شده باشد قطعی
 فوریت درباره آن شور میشود و در این
 شور بهر دلیلی که بخواهد آن بطور کلی و رویم
 رفته مباحثه می شود
 پس از آن در باب صلاحیت مذاکره
 فروردین آن رئیس از مجلس کسب رأی
 می نماید.

رئیس - موافق این مواد ابتدا
 باید رأی بدهند یک شور بشود و بعداً اگر
 بخواهند بکیسیون نرود و فی المجلس
 خودتان مذاکره کنید یک رای علیحدہ لازم
 است .

حاج شیخ اسدالله - این تقاضایی
 که بنده کردم و نظری که دارم منافی با
 آن مسئله نیست .
 حالا در هر صورت بنده نظرم این است
 در آن موقعی که راجع با اجازه اعلی
 امتیاز نفت شمال بکیسانی اساندارد اول
 مذاکره شد
 بنده عرض کردم که مطالب را اینطور
 از مجلس گذرانیدن خوب نیست و نباید یک
 همجو سابقه را در مجلس گذاشت (این
 عرضی که بنده میکنم عقیده شخصی خود
 من است نه اینکه از طرف فراسیون
 اظهار عقیده بکنم و عقیده شخصی خود بنده
 بود که این پیشنهاد را امضاء کردم)
 ولی چون آقایان عقیده شان این است
 که یک مشاوره شود
 چنانچه شاهد همه محمد شام میرزا و
 آقای ارباب کیخسرو فرمودند این لایحه
 خیلی خوب بنظر می آید و باید مجلس
 در آن رأی بدهد

ولی با این حال هیچ منافعی نیست
 که این مسئله در فراسیون مطرح شود
 و روز شنبه از مجلس بگذرد و تصور
 نمیکنم تا روز شنبه یک قضایی فوق العاده
 روی بدهند که مانع بشود از اینکه آقایان
 نمایندگان اظهار عقیده بکنند .

این است عقیده بنده و پیشنهاد را
 هم نافع می دانم و البته تا رقابت تجار
 در بین نباشد و انحصار برداشته بشود البته
 نمی توان استفاده کرد وقتی که ما این اجازه
 را منحصر کردیم بیک کمیانی البته هر
 نوع تحمیلی می خواهد بردولت و ملت
 ایران میکند
 ولی وقتی آزاد شد که با هر کمیانی
 آمریکائی که بخواهد بتواند مذاکره نماید

قصر شد بنده یکی از آقایان رفقا
 اینکه داخل اصل موضوع بشوم تقاضای
 اجازه نمودم و تصور کردیم در نهایت
 بی فرضی و حسوس ظن تلقی خواهد شد ولی
 از قرار معلوم بعضی از آقایان اینطور
 احساس کرده اند که این تقاضا از نظر
 نظر مخالفت دراصل است بهین دلیل بود
 که ناطقین محترم قیام نموده و در اصل
 موضوع خطابه های فوق العاده فرائی
 انشاء فرمودند و بنده بازم تراکم میکنم
 که در اصل موضوع مخالفتی نیست نیکی
 در اصل موضوع مخالفتی نیست یا نیست شاید
 بنده در اصل موضوع مخالف باشم اما این
 باشم بهر جهت باین مطلب کار ندارم
 و نظری را که بنده دارم و عرض شد که نظر
 این بود که این کار در روز عقب بفرستد
 اینکه هم بتوانیم در اطراف کار معالمانی
 بکنیم هم بتوانیم با نفاق
 شما می خواهید طرف سه تا باشد چهار
 تا باشد و بنده از آن سیمی می ترسم و عرض
 می کنم عجله نکنید و اینکه نظر من صاحب
 و ولی عجله نکنید و بگذارید دو سه روز
 اطراف این قضیه آقایان رفقا در فراسیون
 صحبت بکنید و حرف بزنند
 که دیگر هیچ نوع مسئله بقیه در اطراف
 این قضیه باقی نماند

بنده هیچ میل و عقیده ندارم داخل
 نظریات خصوصی بشوم آقایانی هم اخلاق
 بنده را می دانند که هیچوقت نظریات
 خصوصی نداشته ام شهرت کلام هم نداشته
 ام ولی بیکسیبیتی هائی دارم و در ظرف
 دیشب و امروز با بعضی از آقایان که این
 پیشنهاد را امضاء کرده اند صحبت کردم
 شاید با رئیس دولت هم که امروز طرف
 اعتقاد اکثریت است مذاکره کرده باشیم
 هیچیک از عقلا و اشخاصی که عاقله مند
 مسئله هستند اجازه نمیدهند که شما در
 این مسئله عجله بکنید این است که با کمال
 صبر استصفا می کنم و احترام می نمایم
 که شام عجله بکنید و یکدوروزی صبر
 کنید تا در اطراف این مسئله مذاکره
 بشود

شاید حلال هم تفهیم و بفوریت رأی بدهیم
 و پس فردا یک مخاطره هاید که با همه هائی
 برای مملکت تولید شود پس بدون این
 بخواهم در اصل موضوع دخالت بکنم
 ناچارم عرض کنم چنانچه آقای ارباب کیخسرو
 فرمودند اندامه بعهده در طرف بنده
 دقیقه رأی دادید که حالا بعد از شنیدن
 مجبور شده اید که در ظرف پنجاه روزه
 دیگر برای خودتان را تکمیل کنید لهذا
 بنده این فوریت را خوب نمی دانم و آن
 روز هم خوب نمی دانستم .
 اگر یکمده از آقایان دانشمندان نشسته اند
 و معالمانی کرده اند و پیشنهاد کمیانی
 نیکار را دیده اند چه ضرورت دارد سایر
 هم یکمعالمانی بکنند و در اطراف آن
 مذاکره کنند و بعداً رأی بدهند و کور کوراً
 آلت دست سه نفر چهار نفر آقایان فاضل
 واقع نشوند
 ما باید یک کاری نکنیم که تقاضا با نفاق
 انجام بکنند که اگر خراب شد مسخر
 این باب محدود کنیم

کاملاً موافقم باز هم تکرار می کنم
 که ما باید این مسئله را تصویب کنیم و
 در همین مجلس بقوریت ختم کنیم این
 عقیده من است
 همه بدانند و بنویسند تا در آتی پیش
 بی بی بنده و آقای ملک الشعراء مبرهن
 باشد

رئیس - آقای نصرت الدوله
 (اجازه)

نصرت الدوله - آقای ملک الشعراء
 در عین اینکه بنده ایراد فرمودند که چرا
 دراصل مطلب داخل شد خودشان هم داخل
 مطلب شدند
 یک اعتراضاتی فرمودند که آن اعتراضات
 منبتی از یک سوء تفاهمی است که ایشان کرده اند
 و مبنی بر چیزی دیگری نیست . فرمودند که
 بنده بک عبارات و الفاظ مخاطره و مهاجمه و
 شدت و غیره می گویم که ایشان نمیدانند
 این عبارات را چطور تعبیر کنند و مبنای
 آنها را بچه قرار دهند بالاخره دلیل قاطعی
 که برای فوریت هست این است که چهار
 دو نفر از آقایان بای این و در فرامضاء کرده اند
 و چنانچه شاهد همه محمد شام میرزا فرمودند
 بیست و هفت نفر از امضاء کنندگان از جمعی متعده
 کنرتی است که آقای ملک الشعراء هم عضو
 آن هستند البته آنها در اصلش تغییر عقیده
 ندارند حالا اگر بعد از مشاوره با بعضی از
 رفقای خودشان نسبت بقوریت و گذشتن
 امروز تزلزل پیدا کرده اند البته نه من
 می خواهم با آنها هم چوتوینگی بکنم نه آقای
 ملک الشعراء با آنها توین خواهند کرد که
 دراصل مطلب تردید پیدا کرده اند . چهل
 دو نفر این پیشنهاد را بقید فوریت امضاء
 کرده اند حالا می خواهم معلوم کنم که اگر
 اکثریت مجلس هم مایل دارد بقوریت بگذرد
 البته بقوریتش رأی می دهد و هیچ دوائی
 هم در اصل مسئله نداریم فرمایشاتی را هم که
 آقای ملک الشعراء می فرمایند منبتی بر سو
 تفاهمی است که نموده اند . فرمودند لفظ
 مهاجمه و مخاطره و وحشت می گوئی و تهدید
 می کنی بنده هیچکس را تهدید نمیکنم بنده
 می خواهم تهدید نشوم و می خواهم جناب
 هالی و سایر آقایان که اینجا هستند تهدید
 نشوند و بقی هم دارم که هیچ کس نمی تواند
 ما را تهدید کند و البته می دانم تمام آقایان
 هم عقاید ثابتی دارند و روی امضای خودشان
 می ایستند و مقصود خودشان را هم پیش ببرند
 و هیچ واژه و هر اس ندارند ولی یک چیزی
 را بنده مجبورم متذکر شو آقای ملک
 الشعراء را راجعاً دموشنجات و مقالات
 پر آب و تاب خودشان که از نقطه نظر فکر
 خودشان می نوشند و بکرات در این مقالات
 از مروییت دماهیزند و میگویند هر کسی در این
 مملکت مقاصد خود را پیش برده یا پیش می-
 خواهد برد استفاده از این حس عرفی نیست ما میکند
 و الله نه اعمال قومونه اعمال سرنیزه و نه اعمال چیز
 دیگری می کند هیچ نیست مگر استفاده از

امر ممکن است باشد ممکن است بنده
 ابتدا کمیانی استاندار را در اول را یک صورتی
 هتاخته باشم و در عمل طور دیگر خود را
 معرفی نماید ولی حالا موضوع بحث آن
 کمیانی یا کمیانی دیگر نیست آقای ملک
 فرمودند که میخواهند رأی خودتان را
 متزلزل کنید خیر ابتدا نمیخواهیم رأی
 خود را متزلزل کنیم حالا هم بنده عقیده
 این است که اگر این امتیاز را کمیانی
 استاندار اول بگیرد از تمام کمیانیهای
 دنیا هتاست برای اینکه قدرت و استطاعتش
 بیشتر است و ما هم محتاج بقدرت و استطاعت
 هستیم ولی البته اگر در یک اصول حیاتی
 و اساسی قیامین ما وار اختلاف نظر باشد
 خود آقای ملک اول کسی خواهد بود که
 آنرا ملتی کند ولی هنوز با آنجا نرسیده
 است شما بدولت گفته اید که با کمیانی
 استاندار اول مذاکره کند و یک صورت
 امتیازی تهیه کرده و بجلسه بیاید .
 آیا دولت آمده گفته است که بالاخره
 شرایط بین دولت و استاندار اول چه شده
 است؟ خیر پس امروز ما نمیخواهیم او را
 متزلزل بکنیم .

متزلزل کردن یا ثابت نمودن روزی
 خواهد بود که شرایط کمیانی روی این
 تریبون طرح شود روزی که دولت بموجب
 ماده چهار قانونی که از مجلس گذشته
 امتیاز را بجلسه بیاید باید تصویب کنیم
 تا آن امتیاز امتیاز شود و هنوز امتیاز
 در بین نیست اگر امتیاز را آوردند و ما
 دیدیم صلاح است آن را تثبیت می کنیم و
 اگر صلاح نبود لغو می کنیم لکن ما در
 اصل قضیه امروز هیچ حرف نمی زنیم فقط
 می گوئیم یک کاری بکنیم که رئیس الوزرائ
 ایران بایک یا دو یا چهار کمیانی آن هم
 کمیانی معتبر مستقل امریکائی بتواند
 مذاکره کند و نگوییم نمی توانیم پیشنهاد
 های شما را بپذیریم و مطالعه کنیم برای
 آنکه مجلس دست مرا بسته است پس اگر
 امروز دست او را باز کنیم بقیقه بنده بهتر
 است تا فردا اگر فردا هم باشد با هر ضی
 ندارم اما در اصل مسئله که بنده اختلافی
 نمی بینم و اینکه آقای ملک فرمودند شما
 می خواهید این را متزلزل کنید و آتوقت
 میترسم دوفر نباشد سه نفر باشد بنده نظر
 ایشان را خوب تفهیم و کلام هم با ایشان
 و آن وحشتی که دارند موافقت ولی تعجب
 می کنم چرا بنده فرمودند وحشت دارم
 گویا عبارت را درست دقت نفرمودند
 اصلاحی که گفتیم بشود این بود که
 بعد از کمیانی استاندار اول قید شود و
 کمیانی های مستقل امریکائی دیگر و
 مقصود امریکائی بود نه کمیانی دیگر اگر
 از نقطه نظر ملیت است که وزارت خارجه
 شما کیسیون شد . مجلس شما رأی داده به
 ملیت امریکا یعنی نه کمیانی مستقل امریکائی

یس از نقطه نظر آمریکائی است با دو ، سه کمیانی ، چهار کمیانی ، ده کمیانی مذاکره شود تفاوتی ندارد و هیچ رأی مجلس شورای ملی هم متزلزل نمیشود نه مخالف میل شما است و نه مخالف میل من و اما اگر آن وحشتی که شما پیدا می کنید از چیز دیگر است اگر مجلس شورای ملی و شما مایل به تهدید نباشید و نترسید و بایستید هیچ چیزی در شما تأثیری نمی کند و حکم شما متاع است

اگر شما حاضر نبودید هیچ دولتی قادر نبود با کمیانی آمریکائی راجع به نفت شمال صحبت کند اگر دولت ایران پس از سالها فلاکت يك سیاست ثالثی را اتخاذ کرده برای وجود این مجلس بود و از تصدق این رأی شما بود که روی این کرسی های و کالت نشستید و نترسیدید و رأی دادید و باز هم رأی خودتان را خواهید داد و هیچکس نمی تواند نه شمار ا قانع کند و نه تهدید نماید بنابراین آن ثالثی را که شما می فرمائید بنده از او نمی ترسم و هیچکس هم نمی ترسد.

(بعضی از نمایندگان گفتند

مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی می گیریم اول بتقاضای فوریت برای اینکه فقط يك شور بشود بعد رأی خواهیم گرفت که فی المجلس مذاکره بشود و بکمیسیون برود. آقایانی که رأی میدهند يك شور شود قیام فرمائید.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. حالا رأی می گیریم که فی المجلس مطرح شود یا بماند برای بعد . یعنی خود مجلس باین سکار رسیدگی کند یا برود بکمیسیون آقایانی که تصویب می کنند به کمیسیون نرود قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. حالا باید رأی گرفت که در این جلسه مذاکره شود یا بماند برای بعد آقایانی که تصویب میکنند در این جلسه رسیدگی شده و رأی داده شود قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - رد شد. جلسه آتیه روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه مذاکرات امروز در لایحه راجع بحق العبور راه دماوند خواهد بود

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

موتن الملك

جلسه صدودو

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه بیستم جوزا ۱۳۰۱

مطابق سیزدهم شوال ۱۳۴۰

مجلس نیم ساعت قبل از غروب بریاست